

دزدی وارد خانه یکی از ثروتمندان شد و به اتفاقی که گاو صندوق در آن بود رفت. ناگهان چشمش به

پلاکی افتاد که روی آن نوشته بود: دسته کوچکی را که کنار صندوق جنب جا کلیدی وجود دارد

آهسته بکشید تا درب صندوق باز شود.

ولی به محض این که دزد آن دسته را کشید ناگهان تمام چراغ ها روشن شد و زنگ پر صدایی در

ساختمان طنین انداخت.

همین که خواست فرار کند، صاحبخانه را هفت تیر به دست مقابل خود دید.

دزد رو به صندوق کرده گفت: از ما که گذشت ولی این را بدون دروغگو دشمن خداست!